

# نقش عاملیت انسانی، جنس و سن در ویژگی‌های هویتی: بزرگسالی درحال ظهور آرنت

## The Role of Human Agency, Gender and Age in Identity Characteristics: Arnett's Emerging Adulthood

**Mohammad Reza Fathi**  
PhD Candidate in Educational  
Psychology, Science and  
Research Branch, Islamic  
Azad University, Tehran, Iran

**Ali Reza Kiamanesh, PhD**  
Kharazmi University  
Tehran, Iran

**علیرضا کیامنش**  
استاد دانشگاه خوارزمی  
تهران، ایران

**محمد رضا فتحی**  
دانش‌آموخته دکتری روان‌شناسی تربیتی  
دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

**Farhad Jomehri, PhD**  
Allameh Tabataba'i University

**فرهاد جمهری**  
استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده

هدف از این پژوهش تعیین رابطه عاملیت، جنس و سن با ویژگی‌های هویتی در دانشجویان بر اساس نظریه بزرگسالی درحال ظهور آرنت و نمونه آماری شامل ۷۰۰ دانشجوی دوره کارشناسی بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه ابعاد بزرگسالی درحال ظهور (ریفمن، آرنت و کولول، ۲۰۰۷) و مقیاس چندوجهی شخصیت عاملیتی کوتاه (۱۹۹۷) استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بین عاملیت و هر پنج ویژگی هویتی دانشجویان رابطه وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عاملیت در تبیین واریانس همه ویژگی‌های هویتی دانشجویان نقش دارد. متغیرهای جنس و سن به ترتیب در تبیین واریانس سه و یک ویژگی نقش داشتند. نتیجه اینکه افراد دارای عاملیت بالا بیشتر روی خود تمرکز می‌کنند، اکتشاف هویت بیشتری و نگاه خوش‌بینانه‌تر به دوره زندگی خود دارند و آن را فرصت تلقی می‌کنند و بیشتر دست به آزمایشگری می‌زنند. آن‌ها احساس بینابینی بیشتر و احساس منفی بودن و بی‌ثباتی کمتر دارند. عاملیت، جنس و سن را می‌توان به ترتیب برای پیش‌بینی پنج، سه و یک ویژگی به کار برد.

**واژه‌های کلیدی:** هویت، عاملیت انسانی، بزرگسالی درحال ظهور، ویژگی‌های هویتی، ابعاد بزرگسالی درحال ظهور

### Abstract

The purpose of the article was to investigate the relationship between the agency and demographic variables with the five identity characteristics of students based on Arnett's emerging adulthood theory. The sample included 700 undergraduate students. To collect data, the Inventory of Dimensions of Emerging Adulthood (Reifman, Arnett & Colwell, 2007) and the Multi-Measure Agentic Personality Scale (Côté, 1997) were used. The results indicated that there was a relationship between the agency and the five features. The regression analysis showed that the agency played a role in explanation of the variance of all the characteristics. The gender and age in the explanation of the variance of three, and one characteristics was involved, respectively. As a result, students with a higher level of agency, were more self-focused, and did more identity exploration, had more optimistic viewpoint on their life period and consider it as an opportunity, had more experimentations. They had more feeling in-between, and feel less instability and negativity. Agency, gender and age can be used to predict five, three, and one characteristics, respectively.

**Keywords:** identity, human agency, emerging adulthood, identity characteristics, dimension of emerging adulthood

received: 27 October 2017

accepted: 6 August 2018

Contact information: drarkia@gmail.com

دریافت: ۹۶/۱۰/۵

پذیرش: ۹۷/۵/۱۵

این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری روان‌شناسی تربیتی است.

## مقدمه

شدن انتقال به شغل پایدار، موجب ایجاد موقعیت مناسبی برای این مرحله جدید از زندگی در بین نوجوانی و اوایل بزرگسالی شد (آرنت، ۲۰۰۰). تغییرات اجتماعی ناشی از توسعه، افزایش بی‌سابقه امید به زندگی<sup>۱۷</sup> و دستگاه‌های حمایتی اجتماعی و پزشکی<sup>۱۸</sup> (نگرو، ۲۰۱۲) موجب شد فرایند تحول انسان و روند تبدیل شدن به فرد بزرگسال به پدیده‌ای پیچیده و طولانی بدل شود (چیسپهولم<sup>۱۹</sup> و هارلمن<sup>۲۰</sup>، ۱۹۹۵، ویلیام<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۸ نقل از آرنت، ۲۰۰۰؛ رایس<sup>۲۲</sup>، ۱۳۹۲/۲۰۰۱؛ ریفمن، آرنت و کولول، ۲۰۰۶).

سازه بزرگسالی درحال ظهور پنج بعد دارد. این ابعاد درحقیقت ویژگی‌های هویتی<sup>۲۳</sup> افراد این دوره است که آرنت، بر اساس پژوهش‌های خود در دو دهه اخیر، مطرح کرده است. ویژگی‌های هویتی این دوره، نوجوانی مقدم‌برآن و جوانی پس‌ازآن را از یکدیگر متمایز می‌کند. پنج ویژگی اصلی پیشنهادی آرنت عبارت است از: ۱. اکتشاف هویت<sup>۲۴</sup>: متمایزترین ویژگی این دوره پاسخ دادن به این سؤال است که «من کیستم؟» زمانی که افراد گزینه‌های در دسترس زندگی خود را در عرصه‌های گوناگون به خصوص عشق و شغل کاوش می‌کنند و طی این کاوش‌ها هویت خود را شکل می‌دهند. اواخر نوجوانی و اوایل و اواسط دهه بیست بهترین فرصت‌ها را برای این اکتشاف هویت فراهم می‌کند. ۲. فرصت‌ها/خوش‌بینی<sup>۲۵</sup>: این دوره سن فرصت‌ها و امیدهای زیاد و انتظارات بزرگ و پتانسیلی برای تغییر چشمگیر در زندگی فرد است. زمانی که دستیابی به بسیاری از آینده‌های مختلف، ممکن است و بسیاری از افراد هنوز در مورد جهت‌گیری زندگی شخصی خود تصمیم نگرفته‌اند. ۳. بی‌ثباتی/منفی بودن<sup>۲۶</sup>: اکتشاف هویت در این دوره از زندگی و انتخاب‌های ناپایدار عشق و کار، نه تنها این مرحله از زندگی را فوق‌العاده سخت، بلکه فوق‌العاده ناپایدار می‌کند. تقریباً همه افراد در این دوره در مورد طرح‌های زندگی خود، از جمله رشته

هویت<sup>۱</sup> مفهوم جامع و منسجمی از خویشتن است که از اهداف، ارزش‌ها و باورهای تشکیل شده که فرد را قویاً به آن‌ها پای‌بند می‌کند (اریکسون<sup>۲</sup>، ۱۹۶۸ نقل از پاپالیا<sup>۳</sup>، الدز<sup>۴</sup> و فلدمن<sup>۵</sup>، ۱۳۹۱/۲۰۰۴؛ موشمن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹ نقل از برک<sup>۷</sup>، ۱۳۹۰/۲۰۰۷). تشکیل هویت فرایندی است که طی آن افراد مشخص می‌کنند چه کسی هستند، برای چه چیزی ارزش قائل‌اند و تصمیم دارند چه مسیری را در زندگی دنبال کنند. اگرچه جست‌وجوی هویت در دوران نوجوانی کانون اصلی توجه فرد قرار می‌گیرد، هویت‌یابی فرایندی است که در سراسر زندگی ادامه می‌یابد (اریکسون، ۱۹۶۸ نقل از آرنت، ۲۰۰۶). از نظر اتکینسون<sup>۸</sup>، اتکینسون<sup>۹</sup>، اسمیت<sup>۱۰</sup>، بم<sup>۱۱</sup> و هوکسما<sup>۱۲</sup> (۱۳۸۴/۱۹۹۹)، در مطلوب‌ترین شرایط بحران هویت باید در اوایل یا اواسط دهه سوم زندگی حل شود تا فرد بتواند به مسائل دیگر زندگی بپردازد. از نظر آرنت (۲۰۰۶) در این دوره برای بسیاری از افراد تغییرات مهمی در هویت رخ می‌دهد. اریکسون (۱۹۶۸) نقل از آرنت، (۲۰۰۶) پیش‌تر پدیده نوجوانی طولانی‌مدت<sup>۱۳</sup> و تعلیق روانی اجتماعی<sup>۱۴</sup> را مطرح کرده بود. مشکل بودن قبول تعهد و مسئولیت افراد را وارد دوره تعلیق، نوعی دوره انتظار، می‌کند که شخص در آن خود را می‌یابد (کرین<sup>۱۵</sup>، ۱۳۹۰/۲۰۰۴). چند دهه بعد این پیش‌بینی در مورد بسیاری از جوانان تحقق یافت (آرنت، ۲۰۱۵). براساس نتیجه پژوهش استورارو، دنیسن، ون آکن و آسندروف (۲۰۰۸)، شخصیت بین ۱۷ تا ۲۳ سالگی دارای ثبات نسبی است.

بزرگسالی درحال ظهور<sup>۱۶</sup> نام مرحله جدیدی از زندگی است که آرنت آن را برای دوره‌ای از اواخر نوجوانی تا اواخر دهه بیست، با تأکید بر ۱۸ تا ۲۵ سال و در قالب نظریه بزرگسالی درحال ظهور مطرح کرده است. تغییرات جمعیتی از جمله طولانی شدن زمان تحصیل، افزایش سن ازدواج و والد شدن، و طولانی

- |                    |   |                              |
|--------------------|---|------------------------------|
| 1. identity        | 10. Smith, E. E.                          | 19. Chisholm, L.             |
| 2. Erikson, E.     | 11. Bem, D. J.                            | 20. Hurrelmann, K.           |
| 3. Papalia, D. E.  | 12. Nolen-Hoeksema, S.                    | 21. William, T.              |
| 4. Feldman, R.     | 13. prolonged adolescence                 | 22. Rice, F. P.              |
| 5. Olds, S.        | 14. psychological moratorium              | 23. identity characteristics |
| 6. Moshman, D.     | 15. Crain, W                              | 24. identity explorations    |
| 7. Berk, L. E.     | 16. emerging adulthood                    | 25. possibilities/optimism   |
| 8. Atkinson, R. L. | 17. life expectancy                       | 26. instability/negativity   |
| 9. Atkinson, R. C. | 18. protective social and medical systems |                              |

تحصیلی، تجدید نظرهای متعدد می‌کنند. ۴. تمرکز روی خود: در این دوره روابط با دیگران و تعهدات روزانه نسبت به دیگران به پایین‌ترین حد در طول عمر می‌رسد و افراد بیشتر از هر دوره‌ای بر خود تمرکز می‌کنند و مجبورند تصمیم‌های عمدتاً دشوار در مورد خودشان بگیرند، برای مثال این که دانشگاه بروند یا کار کنند. آن‌ها با تمرکز بر خود، مهارت‌هایی را در زندگی روزمره توسعه می‌دهند و درک بهتری در این مورد به دست می‌آورند که چه کسانی هستند و از زندگی خود چه می‌خواهند. هدف آن‌ها از این تمرکز یادگیری ایستادن روی پای خود به عنوان فردی خودکفاست. ۵. احساس بینابینی<sup>۲</sup>: اکتشاف و بی‌ثباتی دوره گذار به بزرگسالی بین محدودیت‌های نوجوانی و مسئولیت‌های بزرگسالی واقع است و به این دوره کیفیت بینابینی می‌دهد. دوره‌ای بین نوجوانی که اکثر افراد در خانه پدر و مادر خود زندگی می‌کنند و ملزم به حضور در مدرسه متوسطه هستند و جوانی که اکثر افراد ازدواج می‌کنند و پدر و مادر می‌شوند و در مسیر شغل پایدار استقرار می‌یابند. در این دوره آن‌ها احساس می‌کنند نه نوجوان هستند نه بزرگسال، بلکه در راه بزرگسالی هستند و هنوز به آن نرسیده‌اند. دلیل احساس بینابینی تدریجی بودن دستیابی به معیارهای بزرگسالی و در نتیجه تدریجی بودن حس بزرگسال شدن است (آرنت، ۲۰۱۵).

تشریح هویت کماکان تکلیف اساسی دوره بزرگسالی درحال ظهور است (برک، ۱۳۹۰/۲۰۰۷). بر اساس نظریه آرنت (۲۰۱۵، ۲۰۰۰) در این دوره مسائل مربوط به هویت نقش برجسته دارد. از نظر او بیشتر اکتشاف هویت، به جای نوجوانی، در بزرگسالی درحال ظهور رخ می‌دهد (آرنت، ۲۰۰۰، ۲۰۰۶). از نظر ساتراک<sup>۳</sup> (۱۳۹۲/۲۰۰۸) انتقال از نوجوانی به بزرگسالی با آزمایشگری و کاوش شناخته می‌شود. بسیاری از افراد در این مقطع سنی در جستجوی این پرسش‌اند که هویت آن‌ها چیست. به نظر اتکینسون و دیگران (۱۳۸۴/۱۹۹۹) مسائل مربوط به هویت طی تحول فرد در سال‌های بعد قابل انعطاف می‌ماند. میوس<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) نقل از برک، ۲۰۰۷/۱۳۹۰) و کروگر<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) نقل از برک،

جهان‌بینی می‌کنند (آرنت، ۲۰۰۰).  
براساس پارادایم سیر زندگی<sup>۶</sup> افراد به طور فزاینده از طریق تفرد<sup>۷</sup> مسیر زندگی خویش را می‌سازند (الدر، ۱۹۹۴)، به این معنی که از قدرت و اهمیت فشارها و حمایت‌های نهادی کاسته می‌شود و افراد در مشخص کردن مسیر خود از یک دوره زندگی به دوره بعد، به منابع خودشان متکی می‌شوند (کوته، ۲۰۰۰؛ هینز<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲). نقل از آرنت، ۲۰۰۷ الف). دوره بزرگسالی درحال ظهور بخشی از این روند است (آرنت، ۲۰۰۷ ب)، زیرا طبیعت بدون ساختار<sup>۹</sup> مرحله بزرگسالی درحال ظهور، وجود گزینه‌های بالقوه هویت، و نبود هدایت بیرونی، تحول هویت را برای بسیاری از افراد به کاری فردی مبدل کرده است؛ در حالی که تکلیف تحولی<sup>۱۰</sup> شکل‌گیری طولانی‌مدت هویت، برای برخی بدون هدایت یا کمک خارجی مشکل به نظر می‌رسد، حال آن که گروهی دیگر در انتقال طولانی‌مدت به بزرگسالی سرمایه‌گذاری می‌کنند و فرصت‌هایی برای کشف مسائل مربوط به هویت به دست می‌آورند (شوارتز، کوته و آرنت، ۲۰۰۵). آرنت (۲۰۱۳) معتقد است افراد به‌ویژه در دوره بزرگسالی درحال ظهور برای تأمل در خود، ترسیم چشم‌انداز آینده، تنظیم اهداف براساس آن و سپس اقدامات برای تحول خود، به عاملیت<sup>۱۱</sup> به عنوان منبع ارزشمند درونی نیاز دارند.

بندورا (۲۰۰۱) عاملیت را طراحی آگاهانه و اجرای عمدی کارها برای تأثیرگذاری بر رویدادهای زندگی دانسته است. تجربه کنترل شخص بر اعمال خودش و از طریق آن بر جریان رویدادها در دنیای بیرون، که ویژگی اصلی تجربه انسان را تشکیل می‌دهد، احساس عاملیت<sup>۱۲</sup> نامیده می‌شود و بررسی سیستماتیک سازوکارهای مغزی تولیدکننده آن به تازگی آغاز شده است (هاگارد، ۲۰۱۷). الدر (۱۹۸۱)

1. self-focused  
2. feeling in-between  
3. Santrock, J. W.  
4. Meeus, W.

5. Kroger, J.  
6. life course paradigm  
7. individualization  
8. Heinz, W. R.

9. unstructured nature  
10. developmental task  
11. agency  
12. sense of agency

بر این باور است که عاملیت انسانی در زندگی اجتماعی و در انتخاب گرایش‌ها و اعمال فردی نقش دارد. انسان‌ها در برابر تأثیرات و محدودیت‌های اجتماعی دریافت‌کننده صرف و منفعل نیستند، بلکه سازنده انتخاب‌ها و عاملان تجربه‌های خود هستند (بندورا، ۲۰۰۱؛ الدر، جانسون<sup>۱</sup> و کروسنو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳ نقل از مک‌میلان، ۲۰۰۷). عاملیت، افراد را به ایفای نقش خودتوسعه‌ای<sup>۳</sup>، سازگاری<sup>۴</sup> و خودنوسازی<sup>۵</sup> همراه با تغییر زمان قادر می‌سازد (بندورا، ۲۰۰۱). از نظر اریکسون (۱۹۶۸) نقل از شوارتز و دیگران، (۲۰۰۵) شکل‌گیری حس منسجم هویت از احساس عاملیت، خودرهنموددهی<sup>۶</sup> یا اعمال آزادانه انتخاب بهره‌مند می‌شود. بک (۱۹۹۲) نقل از شوارتز و دیگران، (۲۰۰۵) و باومن<sup>۸</sup> (۲۰۰۱) نقل از شوارتز و دیگران، (۲۰۰۵) هم معتقدند افرادی که مسائل زندگی را به شیوه فعال نشانه می‌روند حس منسجمی از هویت را شکل می‌دهند. در عوض افرادی که بیشتر روی آورد فعل‌پذیر اتخاذ می‌کنند، ممکن است در تشکیل هویت منسجم مشکل پیدا کنند.

بزرگسالی درحال ظهور در تنوع گسترده‌ای از راه‌ها بسته به فرهنگ، جنس، شخصیت و تحصیلات تجربه می‌شود (آرن، ۲۰۱۵). درصد زیادی از افراد مرحله بزرگسالی درحال ظهور دانشجویان هستند (آرن، ۱۹۹۷). به نظر اکلس<sup>۹</sup>، باربر<sup>۱۰</sup>، استون<sup>۱۱</sup> و هانت<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۳) نقل از برک، (۱۳۹۰/۲۰۰۷) نوجوانانی که بلافاصله بعد از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان به سر کار می‌روند، زودتر از نوجوانان دارای تحصیلات دانشگاهی در مورد هویت خود تصمیم می‌گیرند. به باور میوس، آیدیما<sup>۱۳</sup>، هلسن<sup>۱۴</sup> و والبرگ<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۹) نقل از برک، (۱۳۹۰/۲۰۰۷) رفتن به دانشگاه فرصت‌های زیادی برای کاوش گزینه‌های شغلی و سبک زندگی فراهم می‌کند. از طرف دیگر انتقال به دانشگاه، که با گذار از دوران نوجوانی به اوایل بزرگسالی همزمان است، به مثابه بحرانی در زندگی است (کوکار<sup>۱۶</sup> و گنگوز<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۴) نقل از نگووان و باگانا، (۲۰۱۱). بر اساس کار اپشتاین<sup>۱۸</sup> (۱۹۷۹) نقل از جیندال - اسنیپ و میلر، (۲۰۰۸)

دانشجویان در زندگی تحصیلی خود سه تجربه عمده قرار گرفتن در محیط جدید، لزوم دادن پاسخ‌های جدید، ایجاد یا از دست دادن روابط مهم را دارند. تجربه رویدادهای مهم در این شرایط باعث می‌شود آن‌ها خودشان را در موقعیت‌های متفاوت و ناآشنا بیابند و مجبور شوند با تجارب جدید و گاهی دشوار مقابله کنند (جیندال - اسنیپ و میلر، ۲۰۰۸). تأیید ویژگی‌های بزرگسالی درحال ظهور ممکن است برحسب سن و جنس تفاوت کند. برای مثال در دهه بیست‌سالگی، احساس بزرگسال کامل بودن به طور پیوسته افزایش و احساس بینابینی به طور پیوسته کاهش می‌یابد (آرن و شواب، ۲۰۱۲؛ آرن، ۲۰۱۵).

پژوهش‌های کوتاه (۱۹۹۷، ۲۰۰۲) نشان داد حس عاملیت منبع مهمی برای موفقیت در گذار به بزرگسالی است و منابع نامحسوس (مؤلفه‌های عاملیت) پیش‌بین‌های اصلی گذار موفقیت‌آمیز به بزرگسالی هستند. افرادی که سطح عاملیت بالاتری دارند، در درک خود و در یکپارچگی با جامعه بزرگسالان برتری دارند. نتایج پژوهش کوتاه و شوارتز (۲۰۰۲) نشان داد شخصیت عاملیتی با کسب هویت رابطه مثبت و با پراکنندگی هویت رابطه منفی دارد. نتایج پژوهش شوارتز و دیگران (۲۰۰۵) نشان داد که عاملیت با اکتشاف و تعهد انعطاف‌پذیر رابطه مثبت دارد. براساس یافته‌های شوارتز بین عاملیت و شکل‌گیری هویت رابطه وجود دارد (۲۰۰۶) نقل از کوتاه، میزوکامی، رابرتس و ناکاما، (۲۰۱۶). پژوهش آرن (۲۰۰۳) نشان داد که افراد در مرحله بزرگسالی درحال ظهور از ظرفیت‌های عاملیت به درجات متفاوت استفاده می‌کنند، که به طور مستقیم به انسجام هویت منجر می‌شود. براساس پژوهش آتک و تشتان (۲۰۱۲) بین سطح عاملیت و وضعیت هویت و خودوصفی‌های افراد از رسیدن به بزرگسالی رابطه وجود دارد و سطح عاملیت شرکت‌کنندگانی که فکر می‌کردند به بزرگسالی رسیده‌اند، به طور معنادار بیشتر از شرکت‌کنندگانی بود که احساس می‌کردند به بزرگسالی نرسیده‌اند. ناصح‌پور (۱۳۸۰) نشان داد بین حرمت خود و وضعیت‌های هویت

1. Johnson, M. K.  
2. Crosnoe, R.  
3. self-development  
4. adaptation  
5. self-renewal  
6. self-direction

7. Beck, U.  
8. Bauman, Z.  
9. Eccles, J. S.  
10. Barber, B. L.  
11. Stone, M.  
12. Hunt, J.

13. Iedema, J.  
14. Helsen, M.  
15. Vollebergh, W.  
16. Kockar, A, I.  
17. Gengoz, T.  
18. Epstein, S.

بررسی نظریه بزرگسالی در حال ظهور آرنت در ایران روی نمونه ۷۰۰ نفره دانشجویان، شواهدی مبنی بر وجود این پدیده و تأیید پنج ویژگی اصلی آن در اختیار قرار داده است. بررسی مبانی نظری پژوهش نشان داد که تحول در مرحله بزرگسالی در حال ظهور مستلزم عاملیت انسانی است و صاحب نظران بر اهمیت و نقش عاملیت در شکل گیری هویت تأکید کرده اند. همزمانی حضور در دانشگاه و پیامدها و چالش های آن با این مرحله از زندگی با ویژگی های خاص خود، ضرورت ایفای نقش عاملیتی را در بزرگسالی در حال ظهور دو چندان می کند. بررسی مبانی تجربی پژوهش نیز نشان داد عاملیت در تحول بزرگسالان در حال ظهور نقش دارد. با وجود این اجرای این پژوهش به چند دلیل ضروری می نمود. اول این که برای درک نقش عاملیت در طول سال های دهه بیست زندگی، به ویژه رابطه آن با ویژگی های پیشنهادی آرنت برای بزرگسالان در حال ظهور، پژوهش بیشتری لازم است. شوارتز و دیگران (۲۰۰۵) اذعان کرده اند که بررسی های تجربی نقش عاملیت در شکل گیری هویت در این سنین به تازگی انجام شده است. دوم اینکه همسانی چنین نتایجی در جامعه ایران و بین دانشجویان ایرانی تاکنون بررسی نشده است، زیرا در بیشتر پژوهش های ایرانی نقش اشکال عاملیت، از جمله حرمت نفس و خودکارآمدی در تحول بررسی شده اند، و تاکنون در هیچ پژوهشی در ایران نقش عاملیت به عنوان یک سازه مرکب در تحول مرحله بزرگسالی در حال ظهور بررسی نشده است.

بنابراین، این پژوهش با هدف تعیین رابطه عاملیت با ویژگی های پنج گانه پیشنهادی آرنت برای بزرگسالی در حال ظهور و تعیین سهم هر یک از متغیرهای عاملیت، جنس و سن دانشجویان در پیش بینی این ویژگی ها انجام شد. به این منظور در این پژوهش به دنبال آزمون شش فرضیه بودیم. فرضیه اول تا پنجم، به آزمون رابطه عاملیت با هر یک از ویژگی های پنج گانه بزرگسالی در حال ظهور مربوط می شد و فرضیه ششم برای تعیین سهم ترکیب متغیرهای عاملیت، جنس و سن در پیش بینی هر یک از ویژگی های بزرگسالی در حال ظهور تدوین شده بود.

رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش طالبیان، گودرزی و نیک فرجام (۱۳۸۲) نشان داد که بین برخی از ویژگی های شخصیتی و پایگاه های هویت رابطه وجود دارد. پژوهش مکوند حسنی و طبری (۱۳۸۸) نشان داد روند هویت یابی دانشجویان دامنه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال بسیار کند است، و آن ها از نظر هویت یابی دچار بحران اند. بر اساس پژوهش عابدی و باقری (۲۰۱۲) حرمت خود پیش بینی کننده نگرش مثبت دانشجویان به زندگی است. نتیجه پژوهش بیرامی، هاشمی نصرت آبادی، فرهادی و موحدی (۱۳۹۳) نشان داد بین معنا و غایت در زندگی با بی حوصلگی رابطه معکوس وجود دارد. به نظر بندورا (۲۰۱۲) نقل از ریاحی، اسماعیلی و کاظمیان، (۱۳۹۵) افراد دارای سطوح بالای خودکارآمدی توانایی مقابله با مشکلات را دارند. به نظر فلدمن<sup>۱</sup> و اسناید<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) نقل از وزیر و لطفی عظیمی، (۱۳۹۶) داشتن معنا در زندگی سبب کاهش سطح عواطف منفی می شود.

پژوهش ها نشان می دهد که متغیرهای جمعیت شناختی در فرایند تحول انسان نقش دارد. برای مثال پژوهش شناهان (۲۰۰۰) این نکته را آشکار می کند که جنس در انتقال به بزرگسالی سهم است. زنان در کل بیش از هم تاییان مرد، خود را به عنوان بزرگسال در حال ظهور معرفی می کنند (مک کورت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴، الم<sup>۴</sup> و شوارتز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶ نقل از زالوسکی، ۲۰۱۲)، و زنان بیش از مردان احساس بینابینی (مک کورت، ۲۰۰۴ نقل از زالوسکی، ۲۰۱۲)، تمرکز بر خود (الم و شوارتز، ۲۰۰۶، ریفمن و دیگران، ۲۰۰۷ نقل از زالوسکی، ۲۰۱۲) و اکتشاف هویت (مک کورت، ۲۰۰۴، الم، شوارتز، ۲۰۰۶ نقل از زالوسکی، ۲۰۱۲) را تأیید می کنند. بر اساس پژوهش زالوسکی (۲۰۱۲) نیز تأیید ویژگی های بزرگسالی در حال ظهور بسته به جنس و سن تفاوت می کند. پژوهش ریفمن و دیگران (۲۰۰۷)، و نظرسنجی دانشگاه کلارک<sup>۶</sup> (آرنت و شواب، ۲۰۱۴) نشان می دهد که شرکت کنندگان در دهه بیست سالگی بیشتر از افراد جوان تر یا مسن تر ویژگی های بزرگسالی در حال ظهور را تأیید می کنند. در این نظرسنجی تفاوت های مشهود ناشی از جنس مشاهده نشد (آرنت و شواب، ۲۰۱۲).

پژوهش پیشگام فتحی، کیامنش و جمهری (۲۰۱۸) در زمینه

1. Feldman, D. B.  
2. Snyder, C. R.

3. McCourt, A.  
4. Elm, S. D.

5. Schwartz, K. D.  
6. Clark University Poll

## روش

این پژوهش از نوع زمینه‌یابی مقطعی<sup>۱</sup> با هدف توصیف و پیش‌بینی بود و جامعه آماری آن شامل دانشجویان دوره کارشناسی ۱۸ تا ۲۵ سال شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی روزانه استان تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ بود. برای نمونه‌برداری از روش‌های خوشه‌ای چندمرحله‌ای نسبتی استفاده شد. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۷۰۰ نفر برآورد شد. نمونه شامل ۴۶۸ نفر (۶۹/۹ درصد) دختر، ۲۳۲ نفر (۳۳/۱ درصد) پسر ۳۴۵ نفر (۴۹/۳ درصد) با دامنه سنی ۲۱-۱۸ سال، و ۳۵۵ نفر (۵۰/۷ درصد)، با دامنه سنی ۲۵-۲۲ سال بود.

**سیاهه ابعاد بزرگسالی در حال ظهور**<sup>۲</sup> (ریفمن و دیگران، ۲۰۰۷). این ابزار شش زیرمقیاس اکتشاف هویت<sup>۳</sup>، فرصت‌ها/خوش‌بینی<sup>۴</sup>، بی‌ثباتی/منفی بودن<sup>۵</sup>، تمرکز روی خود<sup>۶</sup>، احساس بینابینی<sup>۷</sup>، و تمرکز روی دیگران<sup>۸</sup> را با ۳۱ ماده بسته‌پاسخ در مقیاس لیکرت از (۱) کاملاً مخالفم تا (۴) کاملاً موافقم می‌سنجد. ریفمن و دیگران (۲۰۰۷) چنین نظر دارند که این سیاهه دارای ساختار عاملی معقول، اعتبار بالا و برخی همبستگی‌های معنادار با سازه‌های موجود در آثار مکتوب است. زیرمقیاس‌های این ابزار همسانی درونی قوی با آلفای ۰/۷۰ تا ۰/۸۵ نشان دادند. در این پژوهش نیز روایی سازه و اعتبار این ابزار بررسی شد. برای بررسی اعتبار ابزار از روش تتای ترتیبی<sup>۹</sup> استفاده شد. اعتبار کل ابزار ۰/۸۳، و اعتبار زیرمقیاس‌ها نیز از ۰/۵۳ تا ۰/۸۱ به دست آمد (اکتشاف هویت ۰/۸۱، فرصت‌ها/خوش‌بینی ۰/۶۷، بی‌ثباتی/منفی بودن ۰/۷۴، تمرکز روی خود ۰/۷۰، احساس بینابینی ۰/۵۳، و تمرکز روی دیگران ۰/۶۵). نتایج تحلیل عاملی تأییدی روایی سازه ابزار را نیز تأیید کرد.

**مقیاس چندوجهی شخصیت عاملیتی**<sup>۱۰</sup> (کوته، ۱۹۹۷). این مقیاس ۲۰ ماده‌ای شامل ۴ زیرمقیاس (هر کدام ۵ ماده) حرمت خود<sup>۱۱</sup> (بله - خیر)، غایت در زندگی<sup>۱۲</sup> (۷ درجه‌ای)، مسند مهارگری درونی<sup>۱۳</sup> (۶ درجه‌ای) و خودکارآمدی<sup>۱۴</sup> (۵ درجه‌ای)

است. ضریب آلفای زیرمقیاس‌ها در دامنه ۰/۵۸ تا ۰/۸۶ بود. در این پژوهش ضریب اعتبار کل مقیاس ۰/۷۸، زیرمقیاس حرمت خود با روش آلفای کرونباخ ۰/۴۳، و سه زیر مقیاس غایت در زندگی، مسند مهارگری درونی و خودکارآمدی با روش تتای ترتیبی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۷ و ۰/۷۱ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی روایی سازه ابزار را نیز تأیید کرد. اطلاعات جمعیت‌شناختی نیز با تکمیل بخش اطلاعات شخصی پرسشنامه به دست آمد. برای آزمون معناداری ضرایب همبستگی از آزمون *t* و برای دست‌یابی به هدف پیش‌بینی از روش تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد.

## یافته‌ها

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد عاملیت با چهار ویژگی هویتی اکتشاف هویت، فرصت‌ها/خوش‌بینی، تمرکز روی خود و احساس بینابینی رابطه مثبت معنادار و با ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن رابطه منفی معنادار دارد.

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی عاملیت با ویژگی‌های هویتی دانشجویان

متغیر	<i>M</i>	<i>SD</i>	۱	۲	۳	۴	۵
۱. عاملیت	۲۸۲/۰۹	۳۹/۱۵	-				
۲. اکتشاف هویت	۳/۲۰	۰/۵۱	۰/۲۳**	-			
۳. فرصت‌ها/خوش‌بینی	۳/۱۹	۰/۴۹	۰/۳۰**	۰/۵۴**	-		
۴. بی‌ثباتی/منفی بودن	۲/۴۰	۰/۵۴	-۰/۱۹**	۰/۱۰**	۰/۰۹*	-	
۵. تمرکز روی خود	۳/۲۵	۰/۴۶	۰/۳۵**	۰/۵۹**	۰/۶۷**	-۰/۰۳	-
۶. احساس بینابینی	۲/۹۲	۰/۵۷	۰/۱۲**	۰/۳۶**	۰/۲۰**	۰/۱۷**	۰/۲۴**

\**P*<۰/۰۵ \*\**P*<۰/۰۱

1. cross sectional	6. self-focus	11. self-esteem
2. Inventory of Dimensions of Emerging Adulthood (IDEA)	7. feeling in-between	12. purpose in life
3. identity exploration	8. other-focus	13. internal locus of control
4. possibilities/optimism	9. ordinal theta	14. self-efficacy
5. instability/negativity	10. Multi-Measure Agentive Personality Scale (MAPS)	

متغیرهای عاملیت و جنس در مجموع ۲ درصد از واریانس متغیر احساس بینابینی را تبیین می‌کند. متغیر عاملیت در تبیین ۱ درصد واریانس احساس بینابینی نقش دارد و اضافه شدن متغیر جنس به مدل، فقط ۱ درصد به قابلیت تبیین مدل می‌افزاید. متغیر سن نقشی در تبیین واریانس احساس بینابینی ندارد. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد از کل متغیرهای وارد شده به مدل برای تبیین واریانس ویژگی اکتشاف هويت فقط متغیر عاملیت در مدل باقی ماند. متغیر عاملیت ۵ درصد واریانس ویژگی اکتشاف هويت را تبیین می‌کند و متغیرهای جنس و سن سهمی در تبیین واریانس ویژگی اکتشاف هويت ندارند. نتایج نشان می‌دهد از کل متغیرهای وارد شده به مدل برای تبیین واریانس ویژگی فرصت‌ها/خوش‌بینی، فقط متغیر عاملیت در مدل باقی ماند. متغیر عاملیت در تبیین ۹ درصد از واریانس ویژگی فرصت‌ها/خوش‌بینی سهم دارد. متغیرهای جنس و سن در افزایش تبیین واریانس این ویژگی نقش ندارد.

جدول ۲ خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون ویژگی‌های هویتی دانشجویان را بر حسب متغیرهای عاملیت، جنس و سن نشان می‌دهد. ترکیب خطی سه متغیر عاملیت، جنس و سن در مجموع ۵ درصد از واریانس ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن را تبیین می‌کند. متغیر عاملیت در تبیین ۴ درصد از واریانس ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن نقش دارد و افزودن متغیرهای جنس و سن به مدل به ترتیب موجب افزایش ۱ و ۱ درصدی (در مجموع ۲ درصد) قابلیت تبیین واریانس ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن شد. نتایج نشان می‌دهد ترکیب خطی متغیرهای عاملیت و جنس در مجموع ۱۵ درصد از واریانس متغیر تمرکز روی خود را تبیین می‌کند. متغیر عاملیت در تبیین ۱۳ درصد ویژگی تمرکز روی خود سهم است و افزودن متغیر جنس به معادله قابلیت تبیین مدل را ۲ درصد افزایش می‌دهد. متغیر سن تأثیری بر افزایش قابلیت تبیین واریانس ویژگی تمرکز روی خود ندارد. نتایج نشان می‌دهد ترکیب خطی

جدول ۲

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی ویژگی‌های دانشجویان بر اساس عاملیت، جنس و سن

گام	متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R <sup>2</sup>	ΔR <sup>2</sup>	F
۱	عاملیت	بی‌ثباتی/منفی بودن	۰/۱۹	۰/۰۴	۰/۰۴	۲۵/۷۲*
۲	عاملیت+جنس		۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۰۱	۱۸/۳۵*
۳	عاملیت+جنس+سن		۰/۲۴	۰/۰۶	۰/۰۱	۱۴/۱۶*
۱	عاملیت	تمرکز روی خود	۰/۳۵	۰/۱۳	۰/۱۳	۹۹/۲۹*
۲	عاملیت+جنس		۰/۳۸	۰/۱۵	۰/۰۲	۶۰/۱۴*
۱	عاملیت	احساس بینابینی	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۰۱	۱۰/۹۴*
۲	عاملیت+جنس		۰/۱۵	۰/۰۲	۰/۰۱	۷/۵۳*
۱	عاملیت	اکتشاف هويت	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۰۵	۳۹/۳۴*
۱	عاملیت	فرصت‌ها/خوش‌بینی	۰/۳۰	۰/۰۹	۰/۰۹	۷۰/۷۳*

\*P < ۰/۰۱

جدول ۳

ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای متغیرهای مدل نهایی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	<b>B</b>	<b>β</b>	<b>T</b>
عاملیت		-۰/۰۸	-۰/۱۹	۵/۲۴**
جنس	بی‌ثباتی/منفی بودن	-۰/۹۳	۰/۱۲	۳/۱۲**
سن		-۰/۶۶	۰/۰۹	۲/۳۶*
عاملیت	تمرکز روی خود	۰/۱۱	۰/۳۵	۱۰/۱۰**
جنس		-۰/۸۸	-۰/۱۵	۴/۳۰**
عاملیت	احساس بینابینی	-۰/۰۲	۰/۱۲	۳/۳۲**
جنس		-۰/۲۷	-۰/۰۸	۲/۰۱*
عاملیت	اکتشاف هویت	-۰/۰۹	۰/۲۳	۶/۲۷**
عاملیت	فرصت‌ها/خوش‌بینی	-۰/۰۸	۰/۳۰	۸/۴۱**

\*P&lt;۰/۰۱ \*\*P&lt;۰/۰۵

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیر عاملیت بیشترین همبستگی را با ویژگی‌های هویتی دارد. ضرایب رگرسیون استاندارد نشان می‌دهد به ازای یک واحد افزایش عاملیت، ویژگی‌های تمرکز روی خود، فرصت‌ها/خوش‌بینی، اکتشاف هویت و احساس بینابینی به ترتیب ۰/۳۵، ۰/۳۰، ۰/۲۳، ۰/۱۲ افزایش و ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن، کاهش می‌یابد. متغیر بعدی جنس است که با ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن رابطه مثبت و با ویژگی‌های تمرکز روی خود و احساس بینابینی رابطه منفی دارد. با در نظر گرفتن متغیر جنس، ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن ۰/۱۲ افزایش و ویژگی‌های تمرکز روی خود و احساس بینابینی به ترتیب ۰/۱۵ و ۰/۰۸ کاهش می‌یابد. جنس با ویژگی‌های اکتشاف هویت و فرصت‌ها/خوش‌بینی رابطه معنادار ندارد. متغیر بعد سن است که فقط با ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن رابطه مثبت دارد. با یک واحد افزایش در سن، ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن ۰/۰۹ افزایش می‌یابد. سن با سایر ویژگی‌ها رابطه معنادار ندارد.

### بحث

در این پژوهش رابطه بین عاملیت، سن و جنس دانشجویان با ویژگی‌های هویتی آن‌ها براساس نظریه بزرگسالی درحال ظهور بررسی شد. یافته‌ها نشان داد عاملیت با ویژگی‌های اکتشاف هویت، فرصت‌ها/خوش‌بینی، تمرکز روی خود و

هستند و فعالانه مسیر زندگی خود را شکل می‌دهند. وجود رابطه مثبت عاملیت با ویژگی‌های اکتشاف هویت، آزمایشگری/فرصت‌ها و تمرکز روی خود با مفهوم عاملیت سازگار است. منظور از عاملیت، ظرفیت



اینکه افراد دارای سطوح بالای خودکارآمدی (به عنوان یکی از اشکال عاملیت) توانایی مقابله با مشکلات را دارند؛ و نظر فلدمن<sup>۱</sup> و اسنایدر<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) نقل از وزیر و لطفی‌عظیمی، (۱۳۹۶)، مبنی بر این که داشتن معنا در زندگی سبب کاهش سطح عواطف منفی می‌شود، مورد حمایت قرار گرفت.

یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیر جنس در پیش‌بینی سه ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن، تمرکز روی خود و احساس بینابینی سهیم و این یافته با نظر شاناهان (۲۰۰۰) مبنی بر وجود تفاوت جنس در انتقال به بزرگسالی همسوست. یافته‌های پژوهش در مورد دو ویژگی احساس بینابینی و تمرکز روی خود با نتایج الم و شواتز (۲۰۰۶)، ریفمن و دیگران (۲۰۰۷) و مک‌کورت (۲۰۰۴)، مبنی بر وجود تفاوت بین زنان و مردان در این ویژگی‌ها، سازگار است؛ اما در مورد اکتشاف هویت با نتایج الم، شواتز (۲۰۰۶) و مک‌کورت (۲۰۰۴) مغایر است. این یافته‌ها از نظر نقش جنس در تبیین واریانس برخی از ویژگی‌های هویتی، با نتایج بررسی ملی آرنت (۲۰۱۲)، ناسازگار است. براساس نظرسنجی دانشگاه کلارک، تفاوت‌های مشهود اندکی در ویژگی‌های مبتنی بر جنس وجود داشت (آرنت، ۲۰۱۵). این مغایرت را می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی نسبت داد. از نظر آرنت (۲۰۱۵) افراد بزرگسالی درحال ظهور را در تنوع گسترده‌ای از راه‌ها، بسته به فرهنگ، جنس و شخصیت، تجربه می‌کنند (آرنت، ۲۰۱۵). هم چنین یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش نگرو (۲۰۱۲)، مبنی بر وجود تفاوت بین دانشجویان دختر و پسر، در میزان تمرکز روی خود، سازگار بود. به نظر نگرو (۲۰۱۲) غوطه‌ور شدن در بستر جدید یعنی دانشگاه موجب افزایش تمرکز روی خود می‌شود و چون امتیازات محیط دانشگاهی برای دختران بیش از پسران است، آن‌ها در دوران دانشگاه از این نظر بر پسران پیشی می‌گیرند، زیرا نسبت به گذشته استقلال بیشتری پیدا می‌کنند که در خودتوسعه‌ای نقش دارد. براساس یافته‌های این پژوهش متغیر جنس ویژگی‌های اکتشاف هویت و فرصت‌ها/خوش‌بینی را پیش‌بینی نمی‌کند.

یافته‌ها نشان می‌دهد متغیر سن فقط در تبیین ویژگی

اعمال کنترل بر تصمیمات مربوط به رویدادهای آینده است (بندورا، ۲۰۰۱). بنابراین طبیعی است وضعیت افراد دارای عاملیت بالا از نظر ویژگی‌های هویتی طوری باشد که از نتایج پژوهش پیش رو منتج شده است. براساس مبنای نظری پژوهش (الدر، ۱۹۹۴، بندورا، ۲۰۰۱، کوتاه، ۲۰۰۰، هینز، ۲۰۰۲ نقل از آرنت، ۲۰۰۷ الف)، احساس عاملیت بالا موجب می‌شود افراد احساس کنند از طریق تصمیماتشان بر زندگی خود مهار بیشتری دارند. شواتز و دیگران (۲۰۰۵) نیز نتیجه‌گیری کرده‌اند که افراد دارای عاملیت بالا در انتقال طولانی‌مدت به بزرگسالی سرمایه‌گذاری می‌کنند و فرصت‌هایی برای کشف مسائل مربوط به هویت به دست می‌آورند. در مورد رابطه مثبت بین عاملیت و بعد فرصت‌ها/خوش‌بینی می‌توان گفت افراد در سنین بزرگسالی درحال ظهور به آینده امیدوارترند و راه دست‌یابی به بسیاری از موقعیت‌ها را باز می‌دانند (آرنت، ۲۰۱۵)، و افراد دارای عاملیت بالا از ویژگی آزمایشگری/فرصت‌ها، بیشتر سود می‌برند. رابطه مثبت عاملیت با ویژگی تمرکز روی خود نیز به این دلیل است که افراد این دوره به دلیل جدایی بیشتر از خانواده به دنبال روی پای خود ایستادن و خودبستگی هستند (آرنت، ۲۰۱۵)، و افراد دارای عاملیت شخصی بالا از عهده این کار بهتر برمی‌آیند. رابطه مثبت عاملیت با احساس بینابینی با نتایج پژوهش آتک و تستان (۲۰۱۲)، دال بر وجود رابطه بین سطح عاملیت و خودوصفی‌های رسیدن به بزرگسالی، و با یافته‌های شواتز و دیگران (۲۰۰۵)، مبنی بر وجود رابطه مستقیم بین درجات استفاده از عاملیت و انسجام هویت بزرگسالان درحال ظهور، همسو بود. براساس پژوهش‌های کوتاه (۱۹۹۷، ۲۰۰۲) افراد دارای سطح عاملیت بالاتر درک بهتری از خود دارند. یافته رابطه منفی عاملیت با ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن با نتیجه پژوهش بیرامی و دیگران (۱۳۹۳)، مبنی بر رابطه معکوس معنا و غایت در زندگی (به عنوان یکی از اشکال عاملیت)، با بی‌حوصلگی (منفی بودن) سازگار است. این یافته با نتیجه این پژوهش، مبنی بر رابطه مثبت عاملیت با خوش‌بینی، نیز هماهنگی دارد. این یافته توسط نظر بندورا (۲۰۱۲) نقل از ریاحی و دیگران، (۱۳۹۵)، مبنی بر

بی‌ثباتی/منفی بودن نقش دارد. این یافته با نتیجه آرن و شواب (۲۰۱۲) همخوانی دارد. متغیر سن در تبیین چهار ویژگی دیگر سهمیم نیست. نتیجه این پژوهش، در مورد احساس بینابینی، اکتشاف هویت و تمرکز روی خود، با یافته آرن و شواب (۲۰۱۲)، (۲۰۱۴) و ریفمن و دیگران (۲۰۰۷) ناسازگار است. براساس نظریه بزرگسالی در حال ظهور آرن (۲۰۱۵) احساس بینابینی، اکتشاف هویت و تمرکز روی خود با افزایش سن کاهش می‌یابد. این تفاوت در نتایج از آنجا ناشی می‌شود که در اکثر بررسی‌های مقایسه‌ای از جمله بررسی آرن و شواب (۲۰۱۲) دامنه‌های سنی (مانند ۱۸-۲۹ ساله‌ها و بالاتر و پایین‌تر از آن) تعریف شده، در حالی که تمرکز این پژوهش بر مقایسه درون دامنه سنی کانونی مورد نظر آرن (۲۰۱۵)، یعنی ۱۸-۲۵ سال بوده است. علت تغییر نکردن این ویژگی‌ها بر حسب سن در این پژوهش را می‌توان، براساس نتیجه پژوهش استوارو و دیگران (۲۰۰۸)، به پایداری نسبی شخصیت بین ۱۷ تا ۲۳ سالگی نسبت داد.

براساس نظریه آرن بسیاری از افراد این دوره سنی این پنج ویژگی هویتی را تأیید می‌کنند. اما آنچه با توجه به نتایج این پژوهش اهمیت دارد این است که افراد دارای عاملیت بالا بیشتر از افراد دارای عاملیت پایین، چهار ویژگی اکتشاف هویت، فرصت‌ها/خوش‌بینی، تمرکز روی خود و احساس بینابینی را تأیید می‌کنند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت در کنار جنس، که در پیش‌بینی سه ویژگی و سن که در پیش‌بینی فقط یکی از ویژگی‌های بزرگسالی در حال ظهور نقش دارد، می‌توان از عاملیت برای پیش‌بینی همه ویژگی‌های متمایز دانشجویان بزرگسال در حال ظهور بهره جست. هرچه سطح عاملیت بالا می‌رود، افراد بیشتر بر خود تمرکز می‌کنند، اکتشاف هویت بیشتری دارند و بیشتر به دنبال پاسخ به پرسش‌های هویتی هستند. آن‌ها نگاه خوش‌بینانه‌تری به این دوره از زندگی خود دارند و به آنچه در این سن رخ می‌دهد به‌عنوان فرصت نگاه می‌کنند و در نتیجه بی‌باکانه دست به آزمایشگری می‌زنند. در نتیجه درک درست‌تری از شرایط تحولی خود و توصیف دقیق‌تری از وضعیت خود، یعنی احساس بینابین نوجوانی و بزرگسالی دارند. از رابطه منفی عاملیت با ویژگی بی‌ثباتی/منفی بودن نیز می‌توان نتیجه گرفت هرچه سطح عاملیت دانشجویان بالاتر باشد، آن‌ها با اتکا به

ظرفیت‌های روان‌شناختی عاملیتی و ارزشمند، به‌رغم تغییرات ناشی از اکتشاف هویت و آزمایش فرصت‌ها، تعادل خود را حفظ می‌کنند و کمتر دچار بی‌ثباتی می‌شوند و کمتر احساس منفی بودن را تجربه می‌کنند. زیرا عاملیت، حل مشکلات بی‌ثباتی ناشی از تجدید نظر در اهداف را آسان می‌کند یا این مشکلات را کاهش می‌دهد. در نتیجه نگاه آن‌ها به این دوره کمتر منفی است. چنین نتیجه‌گیری‌هایی را با عنایت به ظرفیت‌های روان‌شناختی ارزشمند تشکیل‌دهنده عاملیت، یعنی حرمت خود، غایت در زندگی، مسند مهارگری درونی و خودکارآمدی بهتر می‌توان توجیه کرد.

از محدودیت‌های این پژوهش حجم نابرابر نمونه‌هاست، که به دلیل تفاوت حجم زیرجامعه‌ها اجتناب‌ناپذیر بود. در پایان براساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهایی مطرح می‌شود: ۱. آشنا کردن دانشجویان، استادان، والدین و مشاوران با ویژگی‌های افراد سنین بزرگسالی در حال ظهور؛ ۲. برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح عاملیت و مؤلفه‌های آن در همه دانشجویان و ۳. اجرای همین پژوهش روی نیمه گم‌شده، یعنی غیردانشجویان، و مقایسه آن‌ها با دانشجویان و فارغ‌التحصیلان.

## منابع

- اتکینسون، ر. آل.، اتکینسون، ر. سی.، اسمیت، آ. آی.، به، د. ج. و هوکسما، س. ن. (۱۳۸۴). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*. ترجمه م. ن. برهانی و دیگران. تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۹۹).
- برک، ل. (۱۳۹۰). *روان‌شناسی رشد: از نو جوانی تا پایان زندگی*. ترجمه ه. سید محمدی (۱۳۹۰). تهران: ارسباران (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۷).
- پیرامی، م.، هاشمی‌نصرت آبادی، ت.، فرهادی، ع. و موحدی، ی. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط معنا و هدف زندگی و انگیزش تحصیلی با آمادگی برای بی‌حوصلگی در دانشجویان دختر. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۹(۲۷)، ۱۸۳-۲۰۱.
- پاپالیا، د. ای.، الدز، س. و. و فلد من، ر. د. (۱۳۹۱). *روان‌شناسی رشد و تحول انسان*. ترجمه د. عرب قهستانی و دیگران. تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۴).
- رایس، اف. پی. (۱۳۹۲). *رشد انسان: روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ*. ترجمه م. فروغان. تهران: ارجمند (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۱).

- Washington, DC: APA Books.
- Arnett, J. J. (2007a). Socialization in emerging adulthood: From the family to the wider world, from socialization to self-socialization. In J. Grusec & P. Hastings (Eds.), *Handbook of socialization* (pp. 208-231). New York: Guilford.
- Arnett, J. J. (2007b). Emerging adulthood: What is it, and what is it good for? *Child Development Perspectives, 1*, 68-73.
- Arnett, J. J., & Schwab, J. (2012). The Clark University Poll of emerging adults, Thriving, Struggling & Hopeful. Retrieved from <http://www.2.clarku.edu/clark-poll-emerging-adults>. April 19, 2017.
- Arnett, J. J. (2013). The Evidence for Generation We and Against Generation Me. *Emerging Adulthood, 1*(1) 5-10.
- Arnett, J. J., & Schwab, J. (2014). The Clark University Poll of Established Adults Ages 25-39. Busy, Joyful, Stressed — and Still Dreaming Big. <http://www2.clarku.edu/clark-poll-emerging-adults>. June 21, 2017.
- Arnett, J. J. (2015). *Emerging adulthood: The winding road from the late teens through the twenties* (2<sup>nd</sup>ed). New York: Oxford University Press.
- Atak, H., & Taştan, T. (2012). Agency in the Emerging Adulthood Period: An Introductory Study in Turkey. *European Journal of Social Sciences, 32*, (1) 97-107.
- Bandura, A. (2001). Social Cognitive Theory: An Agentic Perspective. *Annul. Review Psychology, 52*, 1-26.
- Côté, J. E. (1997). An empirical test of the identity capital model. *Journal of Adolescence, 20*, 577-597.
- Côté, J. E. (2002). The role of identity capital in the transition to adulthood: The Individualization thesis examined. *Journal of Youth Studies, 52*, 113-117.
- Côté, J. E. & Levine, C. G. (2002). *Identity formation, agency, and culture: A social psychological synthesis*. Hillside, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Côté, J. E. & Schwartz, S. J. (2002). Comparing psychological and sociological approaches to iden-
- ریاحی، م.، اسماعیلی، م. و کاظمیان، س. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش ذهن آگاهی بهمداران بر خودکارآمدی فرزندان. *روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی*، ۱۲ (۴۸)، ۳۶۷-۳۷۵.
- سانتراک، ج. (۱۳۹۲). *روان شناسی رشد در گستره زندگی*. ترجمه پ. شریفی درآمدی، م. ر. شاهی. تهران: دانژه (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۸).
- طالبیان، ش.، گودرزی، ح. و نیکفرجام، م. (۱۳۸۲). بررسی رابطه پایگاه هویت و ویژگیهای شخصیتی در دانشجویان دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد. *فصلنامه مطالعات تربیتی و روان شناسی*، ۷(۱)، ۴۱۹-۴۶۹.
- کرین، و. ک. (۱۳۹۰). *نظریه‌های رشد- مفاهیم و کاربردها*. ترجمه غ. ر. خوی نژاد و ع. ر. رجایی. تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۴).
- مکوندحسینی، ش. و طبری، ط. (۱۳۸۸). بررسی مقایسه ای هویت یابی دانشجویان دانشگاه: مطالعه بافتاری. *مجله علوم رفتاری*، ۳(۴)، ۲۹۳-۲۹۹.
- ناصر پور، م. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه بین عزت نفس و هویت یابی در بین دانشجویان رشته های علوم انسانی، فنی و پزشکی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۹-۸۰*. پایان نامه درجه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- وزیری، ش. و لطفی عظیمی، آ. (۱۳۹۶). سهم معنای زندگی و حمایت اجتماعی ادراک شده در راهبردهای مقابله با درد. *روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی*، ۱۳(۵۲)، ۳۸۲-۳۷۵.
- Abedi, F., & Bagheri, F. (2012). Relationship between identity and self-esteem with attitude to life among art students. *Advances in Environmental Biology, 6*(4) 1364-1369.
- Arnett, J. J. (1997). Young people's conceptions of the transition to adulthood. *Youth & Society, 29*(1), 3-23.
- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist, 55*, 469-480.
- Arnett, J. J. (2003). Conceptions of the transition to adulthood among emerging adults in American ethnic groups. *New Directions in Child and Adolescent Development, 100*, 63-75.
- Arnett, J. J. (2006). Emerging adulthood: Understanding the new way of coming of age. In J. J. Arnett & J. L. Tanner (Eds.), *Emerging adults in America: Coming of age in the 21st century* (pp. 3-19).

- Adulthood* (pp. 3–29). Elsevier JAI.
- Negovan, V., & Bagana, E. (2011). A comparison of relationship between self-esteem and vulnerability to depression among high school and freshmen university students. *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 30, 1324–1330.
- Negru, O. (2012). The Time of Your Life: Emerging Adulthood Characteristics in a Sample of Romanian High-School and University Students. *Cognition, Brain, Behavior. An Interdisciplinary Journal*, 16 (3), 357-367.
- Reifman, A., Arnett, J. J., & Colwell, M. J. (2007). Emerging adulthood: Theory, assessment, and application. *Journal of Youth Development*, 1, 1-12.
- Schwartz, S. J., Cote, J. E., & Arnett, J. J. (2005). Identity and agency in emerging adulthood: Two developmental routes in the individualization process. *Youth & Society*, 37, 201-229.
- Shanahan, M. J. (2000). Pathways to adulthood in changing societies: Variability and Mechanisms in Life Course Perspective. *Annual Review Sociol*, 26, 667-692.
- Sturaro, C., Denissen, J. J. A., Van Aken, M. A. G., & Asendorpf, J. B. (2008). Person-environment transactions during emerging adulthood: The interplay between personality characteristics and social relationships. *European Psychologist*, 13(1), 1–11.
- Zaluski, S. D. (2012). *Emerging Adulthood: A mixed method comparative analysis across vocational setting*. PhD Dissertation, University of Saskatchewan Saskatoon.
- Identity: Identity status, identity capital, and the individualization process. *Journal of Adolescence*, 25(6), 571-586.
- Cote, J. E., Mizokami, S., Roberts, S. E., & Nakama, R. (2016). An examination of the cross-cultural validity of the Identity Capital Model: American and Japanese students compared. *Journal of Adolescence*, 46, 76-85
- Elder, G. H., Jr. (1981). History and the life course. In D. Bertaux (Ed.), *Biography and society* (pp. 77-115). Beverly Hills. CA; Sage.
- Elder, G. H., Jr. (1994). Time, Human Agency, and Social Change: Perspectives on the Life Course. *Social Psychology Quarterly*, 57 (1), 4-15.
- Fathi, M. R., Kiamanesh, A. R., & Jomehri, F. (2018). Emerging Adulthood and Its Characteristics in Iranian University Students. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 1(7), 82-101.
- Jindal-Snape, D., & Miller, D. J. (2008). A Challenge of Living? Understanding the Psycho-social Processes of the Child during Primary-secondary Transition through Resilience and Self-esteem Theories. *Education Psychology Review*, 20, 217–236.
- Haggard, P. (2017). Sense of agency in the human brain. *Nature Reviews Neuroscience*, 18, 196–207.
- Macmillan, R. (2007). Constructing Adulthood: Agency and Subjectivity in the transition to Adulthood. In R. Macmillan (Ed.), *Advances in Life Course Research, Constructing Adulthood: Agency and Subjectivity in Adolescence and*